

تفسير احمد

سوره النازعات



۱۳۹۴

ترجمه و تفسیر سوره النازعات
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مهتم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره النازعات

سوره النازعات

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 46 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿١﴾ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ﴿٢﴾ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿٣﴾ فَالسَّابِقَاتِ
سَبْقًا ﴿٤﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿٥﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ
يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿٩﴾ يَقُولُونَ أَنَا لَمْرَدُودُونَ فِي
الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَنَذَا كُنَّا عِظَامًا نَخْرَةً ﴿١١﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا
هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾ إِذْ
نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ
هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزْكَى ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ
الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ
فَنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ
وَالأُولَى ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾ أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلْفًا أَمْ السَّمَاءُ
بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ
ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا
وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتِ
الطَّامَّةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ
يَرَى ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ
الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ
الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ
ذِكْرَاهَا ﴿٤٣﴾ إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنْ خَشَاهَا ﴿٤٥﴾ كَانَتْهُمْ
يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

معلومات موجز:

سوره « النازعات » از جمله سوره های مکی است. این سوره بنام « ساهره » نیز یاد می شود. امام سخاوی رحمه الله در مورد این سوره میگوید:

این سوره بعد از سوره «نبأ» و پیش از سوره « اذا السماء انشقت » نازل شده است. این سوره دارای (2) دو رکوع ، (46) آیت ، (181) یکصد و هشتاد و یک کلمه ، (791) هفتصد و نودیک حرف و (340) سه صد و چهل نقطه است.

اسباب نزول:

اسباب نزول آیه (12) :

سعید بن منصور از محمد بن کعب روایت کرده است: چون الله تعالی جل جلاله « أَنِنَّا لَمْرَدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ » (نازعات آیه 10) را نازل کرد، کفار قریش گفتند: اگر بعد از

مرگ زنده شویم به شدت زیان خواهیم کرد. پس « قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ » (12) نازل شد.

اسباب نزول آیه (42 الی 44):

حاکم وابن جریر از عائشه (رض) روایت کرده اند از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد قیامت بسیار سؤال می شد ، تا ای که که خدا جل جلاله این کلام عزیز « یَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا » (42) « فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا » (43) « إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » (44) را نازل کرد . سپس سؤالات آنها پایان یافت.

ابن ابو حاتم از طریق جویری از ضحاک از ابن عباس (رض) روایت کرده است: مشرکان مکه با استهزاء و تمسخر از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کردند که قیامت چه وقت بر پا می شود ؟ پس آیه « یَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ...تا اخر سوره (نازل شد.

طبرانی وابن جریر از طارق بن شهاب روایت می کند : رسول الله صلی الله علیه وسلم از قیامت بسیار یاد می کرد تا « فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ، إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » نازل شد. ابن حاتم از عروه نیز مانند این روایت کرده است.

وجه تسمیه:

این سوره به سبب افتتاح با سوگند الهی به « نازعات» که عبارت از فرشتگان قبض کننده ارواح بنی آدم اند، « النازعات» نامیده شد. نام دیگر این سوره « ساهره» یعنی «زمین محشر» است که بیان آن در آیه (14) آمده است.

ترجمه مؤجز سوره:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

« وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا » (1) (قسم به فرشتگانی که ارواح بندگان(کافران) را از اجسادشان با کشیدنی سخت بیرون می کشند)

« وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا » (2) (وقسم به فرشتگانی که جان (مؤمنان را) به آرامی و مهربانی می گیرند .)

« وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا » (3) (وقسم به فرشتگانی که آسمان برای اجرای فرمان الهی شتابان و شنا کنان فرود می آیند).

« فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا » (4) (وقسم به فرشتگانی که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می برند .)

« فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا » (5) (و قسم به فرشتگانی که همه امور را تدبیر می کنند)

« يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ » (6) (در آن روز زلزله ای درمی گیرد.)

« تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ » (7) (سپس) نفخه دوم ، در صور دمیده می شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می شود ، و جهان ابدی آغاز می گردد) .

سوره النازعات

- « قُلُوبٌ يَوْمئِذٍ وَاجِفَةٌ » (8) (دلهایی در آن روز تپان و پریشان می گردند .)
« أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ » (9) (و چشمانشان (آن گروه) فرو افتاده .)
« يَقُولُونَ أَنِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ » (10) (می گویند: آیا ما دوباره به زندگی بازگردانده می شویم؟)
« أَئِنَّا لَمَّا خِرَّةٌ » (11) (آیا وقتی که استخوانهای پوسیده و فرسوده ای خواهیم شد (به زندگی بازگردانده می شویم ؟) .)
« قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ » (12) (می گویند: آن گاه آن بازگشتی زیانبار است .)
« فَإِنَّمَا هِيَ زُجْرَةٌ وَاحِدَةٌ » (13) (پس آن تنها یک بانگ بلند است .)
((بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدائی (از صور) برمی خیزد و بازگشت انجام می پذیرد .)
« فَأَإِذَا هُم بِالسَّاهِرَةِ » (14) (پس آن گاه آنان بر زمین هموار می آیند .)
« هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى » (15) (آیا خبر داستان موسی به تو رسیده است ؟)
« إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى » (16) (بدان گاه که پروردگارش او را در زمین مقدس طوی صدا زد .)
« اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ » (17) (بدو گفت: برو به سوی فرعون که سرکشی و طغیان کرده است .)
« فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ » (18) (بگو : آیا میل داری (از آنچه در آن هستی) ، رها و پاک گردی ؟)
« وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ » (19) (و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا تو بیمناک گردی .)
« فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ » (20) (و (موسی) معجزه بزرگ را به او نشان داد)
« فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ » (21) (آن گاه دروغ انگاشت و سرپیچی کرد .)
« ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ » (22) (سپس پشت کرد و رفت و (برای مبارزه با موسی) به سعی و تلاش پرداخت .)
« فَحَشَرَ فَنَادَىٰ » (23) (آن گاه (جادوگران را) گرد آورد و (مردمان را) دعوت کرد .)
« فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ » (24) (و گفت : من والاترین معبود شما هستم !)
« فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ » (25) (خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد)
« إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ » (26) (در این (داستان موسی و فرعون ، درس) عبرت بزرگی است برای کسی که (از خدا) بترسد .)
« أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا » (27) (آیا قریش شما سخت تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را ساخته است؟)

سوره النازعات

« رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا » (28) (بلندی آنرا برافراشته و آنرا به سامان ساخت).
« وَأَغَطَّشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا » (29) (و شب آنرا تاریک کرد و روز آنرا روشن نمود).

« وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا » (30) (و پس از آن ، زمین را غلتاند و (به شکل بیضی در آورد و) گستراند .

« أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا » (31) (آب آن را و چراگاه آن را پدیدار کرد .)
« وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا » (32) (و کوهها را محکم و استوار کرد .)

« مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ » (33) (برای استفاده شما و چهارپایان شما (همه اینها را سر و سامان داده و سرگشته و فرمانبردار کرده ایم) .

« فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى » (34) (هنگامی که بزرگترین حادثه (و بلای سخت طاقت فرسای قیامت) فرا می رسد .)

« يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى » (35) (روزی که انسان تلاش خود را به یاد می آورد).

« وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى » (36) (و دوزخ برای هر فرد بینائی آشکار و نمایان می گردد).

« فَأَمَّا مَنْ طَغَى » (37) (اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد .)

« وَآثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا » (38) (و زندگی دنیا را ترجیح داده است).

« فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى » (39) (بداند که) دوزخ جای (او) است)

« وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى » (40) (و اما کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش بیمناک بوده است . و نفس را از هوی و هوس باز داشته باشد).

« فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى » (41) (قطعاً بهشت جایگاه (او) است .)

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا » (42) (از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود ؟)

« فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا » (43) (تو را چه خبر از آن ؟) .

« إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » (44) (آگاهی از زمان وقوع قیامت با پروردگارت است).

« إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا » (45) (تو تنها بیم دهنده کسی هستی که از آن (قیامت) می ترسد).

« كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا » (46) (روزی که آنرا می بینند ، انگار که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند).

آشنایی با سوره :

محتوی و موضوع بحث در این سوره را موضوعات مربوط به روز قیامت در بر می گیرد ، موضوعات زندگی بعد از مرگ و ارائه دلایل قوی و محکم و انکار ناپذیر را این بابت

سوره النازعات

مورد بحث قرار داده است. هکذا در این سوره :

1- قسم های موکدی که با معاد ارتباط دارد و بر تحقق این روز بزرگ تکیه و تأکید می کند.

2- قسمتی از مناظر ترسناک و وحشت ناک آن روز گفته شده است.

3- در این سوره اشاره کوتاه و گذرائی به داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون طغیان گر شده که هم مایه تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه وسلم و مومنان، هم هشدار به مشرکان طغیانگر و اشاره ای به این است که انکار معاد انسان را به چه گناہانی آلوده می کند

4- در این سوره نمونه هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین بر شمرده که خود دلیلی برای امکان معاد و حیات و بعث بعد از مرگ است.

5- شرح قسمت دیگر از حوادث وحشت ناک آن روز بزرگ و سرنوشت طغیانگران و پاداش نیکوکاران .

6- سرانجام در این سوره بر این حقیقت تکیه شده که هیچ کس از تاریخ وقوع قیامت باخبر نیست ولی همین اندازه مسلم است که نزدیک است.

مهمترین و هوشدار ترین نقطه که در این سوره بدان تاکید شده، اینست که برای قیامت باید آمادگی گرفت و برای آن در این دنیا باید کار و فعالیت کنند. و اما کسی که به قیامت باور ندارد به عناد و لجابت او نباید توجه کرد چون لجابت او مبنی بر تکذیب و عناد است و وقتی او به چنین حالتی رسیده است پاسخ دادن به او کار بیهوده ای می باشد و خداوند که داورترین داوران است از انجام دادن کار بیهوده پاک و منزّه است.

تفسیر موجز سوره:

« وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا » (1) (قسم به فرشتگانی که ارواح بندگان را از اجسادشان با کشیدنی سخت بیرون می کشند) و یا هم قسم به کسانی که ارواح را به سختی بیرون می کشند.

« النَّازِعَاتِ » : برکنندگان. بیرون کشندگان. برای کلمه پنجگانه (نازعات، نَاشِطَات، سَابِحَات، سَابِقَات، مُدَبِّرَات) بکار رفته است. (تفسیر کبیر)

از جمله: فرشتگان، ستارگان آسمان، اسبان مجاهدان، ارواح مردگان، غازیان و جهادگران، قلوب مردمان، و گاهی آمیزه ای از اینها. اما اغلب مفسران طرفدار ستارگان و فرشتگانند. بهترین نظریه، در این بابت نظریه تفسیر المنتخب است که گردآورنده چکیده همه نظرات است. (تفسیر نور)

« غَرْقًا » : به گونه اغراق آمیز . به تمام و کمال .

« وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا » (2) (قسم به همه چیزهائی که (نیروئی بدانها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) چابکانه و استادانه بیرون می کشند!

« النَّاشِطَاتِ » : آنهایی که کارها را آهسته و آرام، ولی استادانه و چابکانه به انجام می رسانند. (تفسیر نور)

فرشتگانی هستند که با قدرت و نشاط جان ها را می ستانند. و یا «نشط» برای ارواح

سوره النازعات

مومنان و «نزع» برای ارواح کافران است.

« **وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا** » (3) (وقسم به فرشتگانی که شناورند) یعنی قسم به همه چیزهائی که (سرعتی بدانها داده شده است که در پرتو آن، وظائف خود را هر چه زودتر) به شکل ساده و آسان انجام می‌دهند!

« **فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا** » (4) (وقسم به فرشتگانی که برای انجام امر الهی از دیگر فرشتگانی پیشی می‌گیرند. نیز از شیطان‌ها پیشی می‌گیرند تا وحی خداوند را به پیامبران‌شان برسانند و شیطان‌ها نتوانند آن را بدزدند).

« **فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا** » (5) (وقسم به فرشتگانی که خداوند آن‌ها را برای تدبیر بسیاری از کارها در جهان بالا و پائین از قبیل باران و روئیدن گیاهان و وزیدن باده‌ها و اداره دریاها و حیوانات و بهشت و جهنم و غیره مقرر داشته است).

« **يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ** » (6) (در آن روز زلزله‌ای درمی‌گیرد.) (و آن روز، روز قیامت است.) در آن روزی که (نفخه اول، در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند).

« **تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ** » (7) (سپس) (نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود، و جهان ابدی آغاز می‌گردد).

« **قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ** » (8) (دل‌هایی در آن روز از سختی و وحشت آن چه می‌بینند و می‌شنوند ترسیده می‌شوند).

« **أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ** » (9) (چشمان آن‌ها فرو افتاده و ترس دل‌هایشان را فرا گرفته و وحشت دل‌هایشان را از بین برده و تأسف و حسرت بر آن‌ها مستولی و چیره گشته است).

« **يَقُولُونَ أَنَا لَمْرُدُونَ فِي الْحَافِرَةِ** » (10) (می‌گویند: آیا ما دوباره به زندگی بازگردانده می‌شویم؟) آیا پس از مرگ به آفرینش نخستین باز می‌گردیم؟! این استفهام، انکاری است که مشتمل بر غایت تعجب است. یعنی آن‌ها زنده شدن پس از مرگ را انکار کردند. سپس آن را بیشتر بعید دانسته. کافران در دنیا به صورت تکذیب می‌گویند:

« **أِنَّا كُنَّا عِظَامًا نَّخْرَةً** » (11) (آیا وقتی که تبدیل به استخوان‌های پوسیده و از هم پاشیده‌ای شدیم باز به زندگی بر می‌گردیم؟)

« **قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ** » (12) (می‌گویند: آن‌گاه آن بازگشتی زیانبار است.) (تمسخرکنان) می‌گفتند: این (بازگشت به زندگی دوباره، اگر انجام‌پذیر گردد) در این صورت بازگشت زیانبار و زیان‌بخشی خواهد بود! (و ما هرگز از این زیانها نخواهیم کرد، و چنین کاری ممکن نیست).

آن‌ها بعید می‌دانند که خداوند آنان را پس از مرگ و بعد از آن که به استخوان‌های پوسیده تبدیل گشتند دوباره زنده گرداند. چون آنان نسبت به قدرت و توانایی خداوند جاهل بودند و در حق او جسارت می‌کردند.

سوره النازعات

خداوند در بیان این که زنده کردن مردگان برایش آسان است می فرماید:
« **فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ** » (13) (پس آن تنها یک بانگ بلند است.) (بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدائی (از صور) برمی خیزد و بازگشت انجام می پذیرد)
« **فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ** » (14) (پس آن گاه آنان بر زمین هموار می آیند.) (ناگهان همگان (به پا می خیزند و) در دشت پهناور و سفید محشر آماده می شوند.)
در این جا پروردگار به فرشتگان و کارهایشان که نشانگر کمال فرمانبرداری آن ها از خدا و شتاب آنان در اجرای دستور او می باشد، سوگند خورده است. احتمال دارد که آنچه برای اثبات آن سوگند خورده شده جزا و زنده شدن پس از مرگ باشد. و احتمالاً آنچه برای اثبات قیامت بیان شده است. و احتمالاً آنچه برای اثبات آن سوگند خورده شده و آنچه به آن سوگند یاد شده است یکی هستند و خداوند به فرشتگان قسم خورده تا وجود آن ها ثابت گردد. چون اعتقاد به وجود فرشتگان یکی از ارکان شش گانه ایمان است. نیز پرداختن به کارهایشان متضمن جزا و پاداشی است که به هنگام مرگ و قبل و بعد از آن بر عهده فرشتگانی است.

خداوند متعال به پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم می فرماید:
« **هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى** » (15) آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ این سوال از امر بزرگی است که به وقوع پیوسته است. یعنی آیا خبر او به تو رسیده است؟ (نگاه که :
« **إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى** » (16) (بدان گاه که پروردگارش او را در زمین مقدس طوی صدا زد.)

طوی: محل است که خداوند در آن جا با موسی سخن گفت و با اعطای رسالت بر او منت گذارد و او را به همراه وحی مبعوث کرد و برگزید. پس به او فرمود:
« **اذهبِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ** » (17) (بدو گفت :) برو به سوی فرعون که سرکشی و طغیان کرده است.) یعنی برو و با سخنانی نرم و مهربانانه بگو ، او را از سرکشی و طغیان و شرک ورزیدن و نافرمانی بازدار. « **لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ** » شاید او پند پذیرد یا پترسد.

« **فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ** » (18) (پس به او بگو: آیا می خواهی به خصلتی پسندیده و زیبا که خردمندان در به دست آوردن آن از یکدیگر پیشی می گیرند روی بیاوری؟ و آن این است که خود را پاکیزه گردانی و خویشتن را از آلودگی کفر و طغیان پاک کنی و به سوی ایمان و عمل صالح بیرون بیایی؟!)

« **وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ** » (19) (و تو را به سوی خدا راهنمایی کنم و عوامل رضایت و خشم الله را برایت بیان نمایم؟!) « **فَتَخْشَىٰ** » پس چون راه راست را بشناسی از پروردگارت بیمناک خواهی شد. اما فرعون از پذیرفتن آنچه موسی او را به سوی آن فرا خواند امتناع ورزید.

« **فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ** » (20) (و (موسی) معجزه بزرگ را به او نشان داد.)
موسی به پیش فرعون رفت و (معجزه بزرگ (خود ، یعنی تبدیل عصا به اژدها) را

سوره النازعات

بدو نشان داد.)

« فَكَذَّبَ وَعَصَى » (21) (آن گاه دروغ انگاشت و سرپیچی کرد.) (اما فرعون ، موسی را دروغگو نامید و (نبوت او را نپذیرفت ، و از چیزی که از جانب خدا با خود آورده بود) سرپیچی کرد.)

« ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى » (22) (سپس پشت کرد و رفت و (برای مبارزه با موسی) به سعی و تلاش پرداخت .)

« فَحَشَرَ فَنَادَى » (23) (آن گاه (جادوگران را) گرد آورد و (مردمان را) دعوت کرد .)

« فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى » (24) (فرعون لشکریانش را جمع کرد و ندا زد و به آن ها گفت: « من پروردگار برتر شما هستم ». پس مردم سخن او را باور کردند و به باطل او اقرار نمودند زیرا عقل آن ها را به بازیچه گرفته بود.)

« فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى » (25) (خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد)

« إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى » (26) (بی گمان در این (داستان موسی و فرعون ، درس) عبرت بزرگی است برای کسی که (از الله) بترسد .)

بعد از اینکه پروردگار به نقل از داستان حضرت موسی و فرعون پرداخت و آنرا یاد آور شد ، بمثابة يك درس عبرت برای همه طغیانگران و تکذیب کنندگان بار دیگر به مساله معاد و رستخیز بر می گردد و نمونه هائی از قدرت بی انتهای حق را در جهان هستی به عنوان يك دلیل برای امکان معاد بیان می کند و گوشه هائی از نعمتهای بی پایانش را بر انسانها شرح می دهد تا حس شکرگزاری را که سرچشمه معرفه الله است در آنها برانگیزد.

نخست منکران معاد را مخاطب ساخته و ضمن يك استفهام توبیخی می فرماید آیا آفرینش شما (و بازگشت به زندگی پس از مرگ) مشکلتراست یا آفرینش این آسمان با عظمت که خداوند بنا نهاده است.

« أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا » (27) (ای منکران معاد !) آیا آفرینش (مجدّد پس از مرگ) شما سخت تر است یا آفرینش آسمان که خدا آن را (با این همه عظمت سرسام آور و نظم و نظام شگفت ، بالای سرتان همچون کاخی) بنا نهاده است ؟ « رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا » (28) « بلندی آنرا برافراشته و آنرا به سامان ساخت ». « وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا » (29) « و شب آنرا تاریک کرد و روز آنرا روشن نمود ».

« وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا » (30) (و پس از آن ، زمین را غلتاند و (به شکل بیضی در آورد و) گستراند .)

« أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا » (31) (آب آن را و چراگاه آن را پدیدار کرد .) « وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا » (32) (و کوهها را محکم و استوار کرد .)

سوره النازعات

« مَتَاعاً لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ » (33) (برای استفاده شما و چهارپایان شما) همه اینها را سر و سامان داده و سرگشته و فرمانبردار کرده‌ایم .

« فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى » (34) (هنگامی که بزرگترین حادثه (و بلای سخت طاقت‌فرسای قیامت) فرا می‌رسد .

« يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى » (35) (روزی که انسان تلاش خود را به یاد می‌آورد) .

« وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى » (36) « و دوزخ برای هر فرد بینائی آشکار و نمایان می‌گردد » .

« فَأَمَّا مَنْ طَغَى » (37) (اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد) .

« وَآثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا » (38) (و زندگی دنیا را (برگزیده باشد و بر آخرت) ترجیح داده باشد) .

این آیات اصول سعادت و شقاوت انسان را به نحو زیبا و شایسته ای ترسیم نموده، شقاوت انسان را نتیجه طغیان و دنیا پرستی و سعادت او را ثمره خوف از خدا و ترک هوای نفس دانسته است و عصاره تمام تعلیمات انبیاء و اولیاء نیز همین است و بس. هوی پرستی پرده ای بر عقل می‌کشد اعمال زشت را در نظر انسان تزئین می‌کند و حس تشخیص را که بزرگ‌ترین نعمت الله و امتیاز انسان از حیوان است از او می‌گیرد و انسان را به خود مشغول می‌کند.

« فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى » (39) (بداند که) دوزخ جای (او) است)

در جمله اول اشاره به فساد عقیدتی آنها می‌کند زیرا طغیان ناشی از خودبزرگ بینی است و خود بزرگ بینی ناشی از عدم معرفه الله است .

کسی که خدا را به عظمت بشناسد خود را بسیار کوچک و ضعیف می‌بیند و هرگز پای خود را از جاده عبودیت بیرون نمی‌گذارد.

و جمله دوم اشاره به فساد عملی آنهاست چرا که طغیان سبب می‌شود که انسان لذت زودگذر دنیا و زرق و برق آن را بالاترین ارزش حساب کند و آن را بر همه چیز مقدم بشمرد.

این دو در حقیقت علت و معلول یکدیگرند: طغیان و فساد عقیده سرچشمه فساد عمل و ترجیح زندگی ناپایدار دنیا بر همه چیز است و سرانجام این دو آتش سوزان دوزخ است که در جمله سوم به آن اشاره شده. سپس به ذکر اوصاف بهشتیان در دو جمله کوتاه و بسیار پرمعنی پرداخته، می‌فرماید:

« وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى » (40) (و اما کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش بیمناک بوده است. و نفس را از هوی و هوس باز داشته باشد) .

« فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى » (41) (قطعاً بهشت جایگاه (او) است) .

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا » (42) (از تو درباره قیامت می‌پرسند که

در چه زمانی واقع می‌شود؟)

« فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا » (43) (تو را چه خبر از آن؟).

« إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » (44) (آگاهی از زمان قیامت ، به پروردگارت واگذار

می‌گردد (و اطلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است ؛ نه تو) .

« إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا » (45) (وظیفه تو تنها و تنها بیم دادن و هوشدار

باش به کسانی است که از قیامت می‌ترسند (و روح حق جوئی و حق طلبی دارند) .

« كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا » (46) (روزی که آنرا

می‌بینند، انگار که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده‌اند». (روزی که آنان برپائی

رستاخیز را می‌بینند) چنین احساس می‌کنند که در جهان (گوئی جز شامگاهی یا

چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و بسر نبرده‌اند) .

ماموریت ملک الموت:

قبل از همه باید گفت که ماموریت ملک الموت تنها در قبض روح انسانها و سایر مخلوقات

از قبیل فرشتگان ، جنیات ، حیوانات و ... خلاصه می‌گردد. طوریکه خداوند متعال می

فرماید: « قُلْ يَتَوَفَّأكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ » (سوره سجده

11). یعنی: بگو: فرشته ای که خداوند آن را مامور قبض ارواح و گرفتن نفس ها نموده

است به کمک همکارانش به سراغ شما می‌آید و نفس هایتان را می‌گیرد. « ثُمَّ إِلَىٰ

رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ » سپس به نزد پروردگارتان بازگردانده می‌شوید آنگاه شما را طبق اعمال

تان سزا و جزا خواهد داد. و شما زنده شدن پس از مرگ را انکار کرده اید پس بنگرید و

بیاندیشید که خداوند با شما چه خواهد کرد!

بر طبق این آیه ی مبارکه درمی یابیم که ملک الموت مأمور قبض روح انسانها است،

ولی اینکه ، روح حیوانات چگونه و توسط چه کسی قبض می‌شود، حدیثی صریح در

مورد وجو ندارد ، ولی احادیثی دروغین ساختگی در مورد وجود دارد که : « آجال

البهائم كلها من القمل والبراغيث والجراد والخيل والبغال والبقر وغير ذلك ، آجالها

في التسبيح ، فإذا انقضت تسبيحها قبض الله أرواحها ، وليس إلى ملك الموت من ذلك

شئ » . یعنی: زمان مرگ تمامی حیوانات از قبیل مورچه و شپش و کک و ملخ و اسب

و قاطر و گاو و دیگر حیوانات بستگی به زمان تسبیح آنها دارد، هرگاه تسبیح گفتن آنها

پایان رسید خداوند روح آنها را قبض می‌کند، و ملک الموت چیزی از آنرا برعهده

ندارد. ولی همانطور که گفتیم این حدیث دروغ است و علامه البانی رحمه الله در (السلسلة

الضعيفة (188/4) این حدیث را دروغ دانسته است.

و لذا بعضی از علما گفته اند: ملک الموت ارواح جمیع مخلوقات (انسان و حیوانات) را

قبض می‌کند، و بعضی دیگر از اهل علم گفته اند: «خداى سبحان خود ارواح حیوانات

را می‌ستاند، نه فرشته مرگ». نگاه کنید به : (التذكرة للقرطبي صفحه (75) ، (الفواکه

الدوانی) (100/1).

و شیخ ابن عثیمین این مسئله را خارج از تکلیف انسان دانسته و پرداختن به آنرا بی فایده

دانسته است، چنانکه از ایشان در مورد قبض ارواح حیوانات پرسیده شد و ایشان جواب

دادند: «نظر تو چیست اگر به شما گفته شود که: ملک الموت مأمور قبض ارواح حیوانات است یا مأمور نیست، فایده ی این چیست؟! آیا صحابه در این مورد از رسول صلی الله علیه وسلم سوال کردند، در حالیکه آنها از هرکسی بیشتر در یادگیری و کسب علم حریص بودند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم در پاسخ دادن به سوال آنها از هرکسی تواناتر بود، ولی با این وجود هرگز صحابه از ایشان در این مورد سوال نکردند، آنچه که خداوند متعال می فرماید اینست: «قُلْ يَتَوَفَّأَكُم مَلَكُ الْمَوْتِ» یعنی ملک الموت مأمور قبض ارواح بنی آدم است، اما در مورد ارواح غیر انسانها چیزی ثابت نشده و الله بدان آگاهتر است. (لقاء الباب المفتوح (11/146)).

قبض روح پیامبر صلی الله علیه وسلم:

هنگامی که در روز پایانی حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم سختی مرگ بر ایشان فشار آورد، طوری که وقتی اسامه بر او وارد شد، نمی توانست سخن بگوید و فقط دستهایش را به سوی آسمان بلند می کرد و بعد بر اسامه می گذاشت و اسامه متوجه می گردید که برایش دعا می کند. عایشه، پیامبر را در آغوش گرفته بود. در این اثنا عبدالرحمن ابن ابوبکر در حالی وارد شد که مسواکی در دست داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به مسواک او چشم دوخته بود. عایشه گفت: آن را برای شما بگیرم؟ با اشاره سر گفت: بلی. عایشه چوب مسواک را از برادرش گرفت و آن را جوید و نرم کرد و به پیامبر داد. ایشان مسواک را در دهان گرفت و مسواک زد و این جمله را تکرار نمود «فی الرفیق الاعلی» یعنی دوست دارم به رفیق اعلی بپیوندم و دستش را مرتب در ظرف آبی که کنارش بود، فرو می برد و به چهره اش می مالید و می گفت: «لا اله الا الله، ان للموت سكرات». «لا اله الا الله! مرگ سكرات دشواری دارد!» همینکه از مسواک زدن فراغت یافتند، دستانشان یا انگشتانشان را بالا کردند، و چشمانشان را به سقف اتاق دوختند، و لب های مبارکشان به حرکت درآمد. عایشه با دقت گوش فراداد. آنحضرت گفتند: «مع الذین أنعمت علیهم من النبیین والصدیقین و لشهداء والصالحین. اللهم اغفر لی وارحمی وألحقتی بالرفیق الاعلی. اللهم، الرفیق الاعلی». «با آن کسانی که به آنان انعام فرموده ای: پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان! بارخدایا، مرا بیامرز و مرا مشمول رحمتت قرار ده، و مرا به ملکوت اعلا برسان! بارخدایا، ملکوت اعلا!»

این عبارت اخیر را سه بار تکرار کردند، و دستشان به یک طرف افتاد، و به ملکوت اعلا پیوستند: «إنا لله وإنا إليه راجعون!». (بخاری، کتاب المغازی، شماره 4437 و 4449 و «باب مرض النبی») و در روایتی آمده است که فرمود: بار الها! مرا در سختی های مرگ یاری نما. (الترمذی، کتاب الجنائز، شماره 978.)

اما در مورد سكرات موت، همانطور که در حدیث فوق اشاره رفت عایشه رضی الله عنها در مورد سخنان پایانی پیامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام لحظات چنین نقل می کند که ایشان فرمودند: «لا إله إلا الله، إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكَرَاتٍ» یعنی: «لا اله الا الله، همانا مرگ، سختیها دارد».

سرعت عمل ملک الموت:

تعداد کثیری از انسانها احياناً با خود طوری تصور می نمایند که چگونه ملک الموت در یک زمان اقدام به قبض روح تعداد کثیری از انسانها می کند؟
قبل از همه میخوایم توضیح بدارم که استعمال کردن نام «عزرائیل» برای فرشته قبض روح (ملک الموت) دقیق نمی باشد.

باید نام اصلی این فرشته که «ملک الموت» است، مورد استفاده قرار گیرد زیرا نام «عزرائیل» در قرآن عظیم الشان و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد نشده است، بلکه این نام از اسرائیلیات گرفته شده که بهتر است ترک شود و در عوض نام «ملک الموت» بجای آن استفاده شود، زیرا این اسم یعنی «ملک الموت» در قرآن و احادیث ذکر شده است.

ثانیا، خداوندی که ملائکه های با قدرتی از قبیل ملک الموت، جبریل، میکائیل، و غیره خلق کرده است این نیرو و قدرت و سرعت نیز به آنها بر حسب شغلشان عطا فرموده است.

مجاهد رحمة الله علیه گفت: «زمین مانند طشتی تحت اشراف و احاطه ملک الموت قرار داده شده است، به طوری که هرگاهی بخواهد، هر روحی را از آن می گیرد».

و در قرآن گرفتن روح، گاهی به خداوند نسبت داده شده، مانند آیه: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره الزمر: 42)

و گاهی گرفتن روح به ملائکه نسبت داده میشود، مانند آیه: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ...» (سوره النحل: آیه 32)، «...توفته رسلنا و هم لا یفرطون» (سوره الانعام: 61)، «الَّذِينَ تَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ...» (سوره النساء: 97)

و گاهی گرفتن روح به ملک الموت نسبت داده میشود، مانند آیه: «قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ» (سوره السجدة: 11)

و این آیات بدین معناست که اولاً خداوند است که انسانها را میمیراند و به امر او روح از بدن خارج میشود، و ثانياً ملک الموت دارای کمکیارانی از ملائکه است که مقدمات مرگ یک شخص را فراهم میکنند، و سپس ملک الموت است که روح را از بدن جدا میسازد و تحویل میگیرد و سپس آنها را به دست ملائکه عذاب و یا رحمت میسپارد تا اینکه آن روحها در عالم برزخ تا روز قیامت در نعیم و یا عذاب سپری کنند.

ولی اینجا لازم به تذکر است که بجای اینکه فکر کنیم که چگونه ملک الموت قادر به قبض ارواح در یک لحظه است، به فکر آن باشیم که قبل از ملاقات با او هنگام مرگ، چه اعمال صالحی را برای خود پیشه کرده ایم.

صورت حال جنتیان:

اهل بهشت به بهترین و زیباترین شکل و صورت (یعنی: شکل و صورت پدر خود حضرت آدم علیه السلام وارد بهشت می شوند. پس هیچ شکل و صورتی کامل تر و زیباتر از صورتی که خداوند آدم ابوالبشر را بر آن آفریده است وجود ندارد. خداوند آدم

را با دست های خود آفریده، آفرینش وی را به اتمام رسانده و به زیباترین صورت او را در آورده است. لذا هر کس که وارد بهشت شود، به صورت آدم و ساختار جسمی او خواهد بود. خداوند آدم را بسیار قد بلند، مانند: درخت خرما بلند آفریده است که طول او شصت ذراع بوده است. در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند آدم را به صورت خود آفریده است. بلندی قدش شصت ذراع است. لذا هر کس که داخل بهشت شود بر همان صورت آدم داخل می شود. طولش شصت ذراع است. بعد از آفریدن آدم ارتفاع قامت انسانها همواره رو به کاستی بوده است». (صحیح مسلم، کتاب: الجنة، باب یدخل الجنة اقوام افئدتهم مثل افئدة الطیر: 2841). و از جمله زیبایی صورت و چهره های اهل بهشت این است که مانند نوجوان بدون ریش خواهند بود. چنان به نظر می رسند که سرمه کشیده اند، و همه ی آنها 33 ساله وارد بهشت می شوند.

در مسند احمد و سنن ترمذی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «یدخل اهل الجنة جرداً مرداً کانهم مکحلون ابناء ثلاث و ثلاثین». (اهل بهشت در حالی وارد بهشت می شوند که مجرد و بدون ریش هستند. چنان زیبا خواهند بود، که گوئی سرمه به چشم کشیده اند و 33 سال عمر دارند). صحیح مسلم: (7928).

صورت حال دوزخیان :

اهل دوزخ به شکل و صورتی بسیار بیمناک و فربه - که مقدار حجم آنها جز پروردگار کسی دیگر نمی تواند، اندازه کند- وارد دوزخ می شوند. در حدیثی روایت شده حضرت ابوهریره آمده است: «ما بین منکبی الکافر مسیره ثلاثة ایام للراکب المسرع». صحیح مسلم، باب النار یدخلها الجبارون (2190/4). یعنی: (در روز قیامت لاشه ی کافر چنان بزرگ می شود که اسب سوار تند و تیز در طی سه روز می تواند فاصله ی میان دو شانیه ی آن را بپیماید). بزرگی حجم و جسم کافر بخاطر آن است تا به عذاب و شکنجه اش افزوده شود. امام نووی در شرح این احادیث می فرماید: «همه اینها بخاطر آن است که شکنجه اش به حد نهائی برسند. آری ایمان به همه این کارها واجب است. چون رسول صادق المصدق بدان خبر داده است. شرح نووی علی مسلم: (186/17). ابن کثیر در شرح و توضیح این احادیث می گوید: «لیکون ذلک انکی فی تعذیبهم، واعظم فی تعبهم و لهیبهم، کما قال شدید العقاب: (لیذوقوا العذاب)» (نهایه: لابن کثیر). (این افزودگی به لاشه ی کافر بدان جهت است تا عذاب بیشتری را بچشد، همانطور که خدای شدید العقاب می فرماید: تا عذاب را بچشند).

وضعیت کودکان در قیامت :

حکم شرعی همین است که: انشاءالله کودکان مسلمانانی که پیش از سن بلوغ وفات یافته اند، جای شان در بهشت خواهند بود. خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (سوره الطور: 21) (کسانی که خودشان ایمان آورده اند و فرزندانشان از ایشان در

ایمان آوردن پیروی کرده‌اند، (در بهشت) فرزندانشان را بدیشان ملحق می‌گردانیم (تا زادگان دلبند خود را در کنار خود ببینند و از انس با آنان لذت بیشتر ببرند) بی‌آنکه ما اصلاً از عمل آن کسان چیزی بکاهیم (و از اندوخته پدران و مادران چیزی برداریم و به فرزندانمان بدهیم، و یا بدین وسیله بر حسنات فرزندان بیفزائیم و یا گناهانشان را از این راه بزدانیم). چرا که هر کس در گرو کارهایی است که کرده است).

حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از جمله: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (سوره مدثر 38). به اهل بهشت بودن کودکان مسلمانان استدلال نموده است. زیرا آنان عملی را انجام نداده‌اند که در برابر اعمال خود مسئول باشند.

امام بخاری باب مستقلی را تحت عنوان «فضل من مات له ولد فاحتسب» مطرح نموده است و آن حدیث حضرت انس رضی الله عنه که به شرح زیر می‌باشد آورده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «ما من الناس مسلم يتوفى له ثلاث لم يبلغوا الحنث الا ادخله الله الجنة بفضل رحمته اياهم». (هر مسلمانی سه فرزند نابالغ را از دست بدهد خداوند به فضل و رحمت خود او را وارد بهشت می‌کند).

احمد به سندی حسن از طریق خنساء دختر معاویه بن صریم از عمه‌اش نقل کرده که می‌گوید: از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: ای رسول خدا! چه کسی در بهشت است؟ فرمود: «النبي في الجنة و الشهيد في الجنة، و المولود في الجنة. فتح الباری: (246/3) (پیامبران، شهداء و نوزادان (نابالغان) در بهشت هستند).

امام مسلم و امام احمد در مسند از ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «صغارهم دعامیص الجنة، یتلقى ادهم اباه او قال ابویه، فیأخذ بثوبه، او قال بیده، كما أخذ انا بصنفة ثوبك هذا، فلا یتناهی، او قال: فلا ینتهی حتی یدخله الله و اياه الجنة». (کودکان مسلمان خدمتگزاران اهل بهشت هستند، آنان پدر خود یا والدین خود را دیده، خود را به لباس آنان آویزان می‌کنند. همانطور که من الآن گوشه لباس تو را گرفته‌ام. این معامله به آنجا منجر می‌شود که خداوند آن کودک و والدینش را وارد بهشت می‌سازد).

وضعیت کودکان مشرکین و کفار در قیامت :

امام بخاری بابی را تحت عنوان «ما قیل فی اولاد المشرکین» مطرح نموده و حدیث زیر را از ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده است: «سئل رسول الله عن اولاد المشرکین، فقال: الله ان خلقهم اعلم بما كانوا عاملین». (درباره فرزندان نابالغ مشرکین از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال شد؟ فرمودند: خداوند در موقع آفریدن آنها دانسته که چه عملی را انجام می‌دهند). ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة، فابواه یهودانه، او ینصرانه او یمجسانه، کمثل البهیمه، تنتج البهیمه هل تری فیها جدعاء» (هر نوزادی با فطرتی سالم به دنیا می‌آید. پدر و مادرش او را به یهودی، نصرانی و یا مسیحی تبدیل می‌کنند. مانند: حیوانات که حیوانی را متولد می‌کند، آیا در میان آنها حیوانی را دیده‌اید که گوشش بریده شده باشد). (بخاری، کتاب الجنایز. فتح الباری: 3/246).

بر اساس اظهارات ابن حجر، بخاری با نقل این روایات اشاره به این دارد که او در این مساله اظهار نظر نمی‌کند. اما بعد از تفسیر سوره روم بهشتی بودن آنها را قاطعانه اعلام داشته است. ایشان احادیث این باب را به گونه‌ای ترتیب داده که حکایت از بهشتی بودن کودکان مشرکین دارند، زیرا امام بخاری ابتدا احادیث دال بر توقف و بعد از آن احادیث مرّج به بهشتی بودن و در پایان احادیث یقین بخش برای بهشتی بودن آنها را نقل کرده است، آنجا که حدیث زیر را گزارش داده: «و اما الولدان الذین حوله فکل مولود یولد علی الفطرة، فقال بعض المسلمین: و اولاد المشرکین؟ فقال: و اولاد المشرکین». (و فرزندان که پیرامون آنها هستند، پس هر فرزندی با فطرت پاک به دنیا می‌آید. بعضی از مسلمانان پرسیدند: آیا کودکان مشرکین نیز آنجا هستند؟ فرمود: آری).

ابن حجر می‌گوید: حدیث روایت شده از ابو یعلی از انس به سند مرفوع مؤید دیدگاه امام بخاری است.

«سالت ربی اللاهین من ذریة البشر ان لا یعذبهم فاعطانیهم» (رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: از پروردگام تقاضا کردم که فرزندان نابالغ انسانها را عذاب ندهد، پروردگار این سوال مرا پذیرفت). «اللاهین» بنابر تفسیر ابن عباس همان اطفال هستند. و هم چنین برای بهشتی بودن فرزندان مشرکین به حدیث زیر استدلال شده است: «اطفال المشرکین خدم اهل الجنة» سلسله الاحادیث الصحیحه: (1468). (اطفال مشرکان خدمت گزار اهل بهشت هستند).

این دیدگاه که اولاد مشرکان در بهشت هستند، دیدگاه تعدادی کثیری از علماء مانند: ابی الفرج بن جوزی و... است. امام نووی در این باره می‌گوید: «و هو المذهب الصحیح المختار الذی ذهب الیه المحققون لقوله تعالی: و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا. اسراء: 15» (مذهب صحیحی که انتخاب شده و محققین نیز آن را تأیید نموده‌اند این است که فرزندان مشرکین وارد بهشت می‌شوند، زیرا خداوند بیان داشته که: تا پیامبری به میان قومی ارسال نکنیم، هرگز آنان را عذاب نمی‌دهیم).

وضعیت مجانین و دیونگان در قیامت :

و در اخیر می‌خواهم در مورد وضعیت شخص مجنون یا دیوانه (و حتی کرولال و اهل فتره یعنی کسی که پیام و رسالت پیامبران الهی به او نرسیده باشد) مطالب ذیل بیان بدارم. شیخ محمد ناصرالدین البانی رحمه الله در کتاب «چگونه قرآن را تفسیر کنیم» می‌فرماید: «با آنها در قیامت معامله بخصوصی خواهد شد و آن بدین صورت است که خداوند فرستاده‌ای را به سوی آنها می‌فرستد که آنها را بیازماید، چنانچه مردم در حیات دنیا امتحان می‌شوند، پس هر کسی آن فرستاده را در عرصه قیامت استجابت نمود و از وی اطاعت نمود، به بهشت می‌رود و کسی که عصیان و نافرمانی نماید وارد آتش می‌گردد. (سلسله احادیث صحیحه (2468))

این موضوع در احادیثی چنین بیان گردیده است :

1- «أربعة یحتجون یوم القیامة، رجل أصم لا یسمع، و رجل هرم، و رجل أحمق، و رجل مات فی الفترة و فیه: فیأخذ موثقهم لیطیعنه فیرسل إلیهم رسول أن ادخلوا النار، فوالذی

سوره النازعات

نفسی بیده لو دخلوها لكانت عليهم بردا وسلاما ثم رواه عن أبي هريرة وقال في آخره: فمن دخلها كانت عليه بردا وسلاما، ومن لم يدخلها رد إليها» (مسند امام احمد - صحيح جامع الصغير البانی) یعنی: چهار نفر روز قیامت استدلال می‌کنند؛ ناشنوایی که نمی‌شنود، مرد کهن سال و مردی که عقل ندارد (مجنون است) و مردی که در فتره (پیام و رسالت پیامبران الهی به او نرسیده است) از دنیا رفته است. از آن‌ها عهد و پیمان می‌گیرند که خداوند را فرمانبری کنند. او رسولی به نزدشان می‌فرستد و به آن‌ها می‌گوید که وارد آتش شوند. سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر داخل شوند برایشان تبدیل به سردی و سلامتی می‌گردد، سپس آن را از ابوهریره روایت می‌کند و در آخر حدیث می‌گوید: هرکس داخل شود برای او تبدیل به سردی و سلامتی می‌گردد و هرکس بدان وارد نشود او را به آتش برمی‌گردانند.

2- محمد بن یحیی الذهلی و بزار از طریق عطیه العوفی از ابوسعید خدری روایت کرده اند که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الهالك في الفترة، والمعتوه والمولود يقول الهالك في الفترة لم يأتني كتاب، ويقول المعتوه: رب لم تجعل لي عقلا أعقل به خيرا ولا شرا، ويقول المولود: رب لم أدرك العقل، فترفع لهم نار فيقال لهم: ردوها، قال: فيردها من كان في علم الله سعيدا لو أدرك العمل، ويمسك عنها من كان في علم الله شقيا لو أدرك العمل، فيقول: إياي عصيتم فكيف لو أن رسلی أتتكم وفي رواية البزار فكيف برسلي بالغيب قال البزار لا يعرف إلا من طريق عطية عنه» یعنی: کسی که در فتره بمیرد و معتوه و مولود. اولی می‌گوید: رسالتی به من ابلاغ نشد و معتوه می‌گوید: پروردگارا، برای من عقل قرار ندادید تا به وسیله آن خیر و بدی را بفهمم و مولود می‌گوید: پروردگارا من قادر به تعقل نبودم. آنگاه آتش برایشان مهیا می‌شود و گفته می‌شود بدان وارد شوید؛ آنگاه هرکس در صورت مواجهه با عمل، در علم خداوند سعادتمند شود، بدان وارد می‌شود و هرکس در علم خداوند در صورت مواجهه با عمل، شقاوتمند گردد از ورود بدان خودداری می‌کند آن وقت به آن‌ها گفته می‌شود: خودم را نافرمانی و معصیت کردید حال اگر رسولانم نزد شما می‌آمدند چگونه با آن‌ها معامله می‌نمودید. و در روایت بزار آمده: چگونه با رسولان من معامله می‌نمودید در حالی که آن‌ها شما را به ایمان به غیب دعوت می‌نمودند و بزار می‌گوید: این روایت جز از طریق عطیه شناخته نشده است.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست :

- معلومات مؤجز
- اسباب نزول
- وجه تسمیه
- ترجمه مؤجز سوره
- آشنایی به سوره
- تفسیر مؤجز سوره
- ماموریت ملک الموت
- قبض روح پیامبر صلی الله علیه وسلم
- سرعت عمل ملک الموت
- صورت حال جنتیان
- صورت حال دوزخیان
- وضعیت کودکان در قیامت
- وضعیت کودکان مشرکین و کفار در قیامت
- وضعیت مجانین و دیوانگان در قیامت

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری